

روزگار تا کجایی پسران ایلام

درس دوم:

نور حیات

هدف: من ایمان دارم که نور خداوند من را بلند می‌کند.

رده سنی: ۹ - ۱۲ سال

آیه حفظی: یوحنا ۱ : ۵

این نور در تاریکی می‌درخشد و تاریکی آن را درنیافت.

سخنی با مربی:

مربی عزیز کودکان در این درس می‌آموزند که:

- در سختی‌ها به خدا توکل کنند و
- خدا به آنها اطمینان می‌دهد که حتی وقتی می‌افتند (اشتباه می‌کنند یا احساس غم می‌کنند) کمکشان می‌کند "بلند شوند" و به لحظات تاریک نور می‌بخشد.
- (وقتی شکست خوردم به خدا اعتماد کنم و دوباره تلاش کنم.)

آمادگی برای ورود به داستان: (۱۵ دقیقه)

"دوباره بلند شو"

از قبل یک مسیر زیگزاگ بین صندلی‌ها بسازید و یا تعدادی توپ را برای انداختن داخل سبد انتخاب کنید. طوری طراحی کنید که کمی سخت باشد. از کودکان بخواهید بدون اشتباه از بین صندلی‌ها رد شوند و یا بدون اشتباه توپ را داخل سبد بیاندازند. اگر اشتباه کردند، یک نفس عمیق بکشند و از همان‌جا ادامه دهند.

هر کدام چند بار بازی را تکرار کنند. بعد از پایان بازی از آنها پرسید:

- وقتی مجبور شدی از اول شروع کنی، چه حسی داشتی؟
 - دوست داشتی دیگر بازی نکنی یا ادامه دهی؟
 - چه چیزی کمکت کرد دوباره تلاش کنی؟
- هدف بازی: وقتی اشتباه می‌کردیم، مجبور بودیم دوباره شروع کنیم. زندگی هم همین‌طور. گاهی به خاطر شرایط سخت می‌افتیم... گاهی به خاطر انتخاب‌های اشتباه خودمان، خراب می‌کنیم... اما وقتی به خدا برگردیم او کمکمان می‌کند دوباره شروع کنیم.

ورود به دنیای کتاب مقدس: (۲۰ دقیقه)

مطالعه کلام

میکاه ۷: ۷-۸

همه‌ی ما دوست داریم همیشه برنده باشیم، همیشه نمره خوب بگیریم، همیشه کار درست انجام دهیم.

اما واقعیت این است که گاهی اوقات می‌افتیم:

- گاهی امتحان را خراب می‌کنیم.
- با دوستان دعوا می‌کنیم.
- تصمیم اشتباه می‌گیریم.

قوم اسرائیل به خاطر انتخاب‌های اشتباه از خدا دور شدند و روزهای سختی را تجربه کردند، اما وقتی به سوی او برگشتند، خدا آنها را ترک نکرد.

امروز می‌خواهیم از کسی بشنویم که یاد گرفت دوباره بلند شود.... اسمش میکاه بود میکاه به هنگام ترس و غم به خدا نگاه کرد و با امید منتظر خدا بود این یعنی اعتماد به خدا. قوم اسرائیل در آن زمان که اشتباه کردند یا شکست خوردند، این پایان کار آنها نبود و با اعتماد به خدا دوباره بلند شدند و ادامه دادند. میکاه بعد از افتادن با امید بلند شد، چون خدا نور است و همه ما را راهنمایی می‌کند. پس ما تنها نیستیم، صدای ما را می‌شنود و همیشه یک "شروع دوباره" است.

گفتگو:

- چه وقت‌هایی بیشتر احساس شکست می‌کنی؟ (زمانی که فکر کنم دیگر نمی‌توانم ادامه دهم و احساس شکست می‌کنم.)
- وقتی ناامید می‌شوی معمولاً چه کاری می‌کنی؟ (گاهی گریه می‌کنم و ناراحت میشم و با مامان و بابا و یا به دوست حرف می‌زنم)
- اعتماد کردن به خدا در عمل یعنی چه؟ (وقتی می‌ترسم یا ناامیدم، بدونم خدا کنارمه. کار درست و انجام بدم حتی اگه سخت باشه.)

نتیجه‌گیری: (۵ دقیقه)

امروز از میکاه یاد گرفتیم که با امید و صبر به خدا نگاه کنیم، زیرا می‌دانیم که او دعاهای ما را می‌شنود و همیشه با ماست، حتی وقتی نتیجه‌ها مطابق خواسته ما نیست.

کارگاه اجرایی: (۱۵ دقیقه)

روی تخته و یا کاغذ دو ستون بکشید و بنویسید:
"افتادن های من"
کودکان مثال بگویند: (خراب کردن، عصبانیت، تنبلی....)
"چطور می‌توانم بلند شوم؟"
(دعا کردن، عذرخواهی کردن اگر اشتباه کردم، دوباره تلاش کردن، از یک بزرگتر کمک گرفتن)

دعا و پرستش :

سرود برخیز بسرا را با کودکان در کلاس بخوانید.

آیه حفظی:

این نور در تاریکی می‌درخشد و تاریکی آن را درنیافت.

یوحنا ۱ : ۵